

## رعایت حقوق بشر را جهانی کنید

سخنرانی پُل هافمن<sup>۱</sup>، رییس سازمان عفو بین الملل،

در سومین مجمع اجتماعی جهانی در برزیل

سازمان عفو بین الملل، ۲۱ فوریه ۲۰۰۳ (۲) سفند ۱۳۸۱

برگردان: زاله صمدی

دوستان!

برای من افتخار بزرگی است که این فرصت را پیدا کردم تا نظرات سازمان عفو بین الملل را در مورد جهانی شدن مطرح کنم. موضوع مورد بحث من، جهانی سازی تجاری نیست بلکه جهانی شدن حقوق بشر است.

من امروز به عنوان نماینده‌ی بیش از یک میلیون عضو سازمان عفو بین الملل از سراسر دنیا، در مقابل شما ایستاده‌ام. اعضای سازمان ما، که بیش تر آنها جوان هستند، سال‌هاست علیه زندانی کردن سیاسی، شکنجه و اعدام‌های بدون محاکمه مبارزه کرده‌اند. ما خواستار نابردی این تهدیدها هستیم و بسیج شده‌ایم تا به تبعیض، فقر و استثمار در جامعه‌های خود پایان دهیم. خلاصه این که ما جهان دیگری می‌خواهیم.

پیام من از جانب آنها برای شما این است که چارچوب حقوق بشر و فلسفه‌ی عملی آن می‌تواند به مقابله با اثرات منفی جهانی سازی اقتصادی کمک کند.

همه‌ی ما زیر شعار امید و قدرت جمع شده‌ایم، به وجود آوردن دنیای دیگر امکان‌پذیر است. ما معتقدیم که ارزش حقوق بشر برای شناخت جهانی دیگر لازم است. در حقیقت، دنیای دیگری که ما در پی آن هستیم، دنیایی است که در آن همه‌ی انسان‌ها از احترام و زندگی آزاد برخوردار هستند. به‌طور خلاصه، زندگی که انسانها بتوانند از حقوق اساسی انسانی برخوردار باشند. سازمان عفو بین الملل مخالف جهانی شدن نیست، کاملاً برعکس! این سازمان

1. Paul Hoffman

۴۰ سال پیش با این باور به وجود آمد که اگر حقوق مردم یک کشور زیر پا گذاشته شد، انسان‌ها در جاهای دیگر نیز باید نگران این موضوع باشند. آرمان اصلی ما از ابتدا این بود که «حقوق بشر هیچ مرزی ندارد».

در واقع من در این جا با احتیاط می‌گویم - اما به واقع همین است - که از اولین طرفداران آزادی تجارت بوده‌ایم. اما با آن نوع سیاست‌های حمایتی مخالفت می‌کردیم که حاکمیت ملی را چیزی بالاتر از حقوق بشر قلمداد می‌کند و مرزها را به‌روزی کنکاش و اقدام از خارج می‌بندد. آن چه ما به‌سراسر جهان صادر می‌کنیم این باور ساده است که دولت‌ها باید حقوق اساسی انسان‌ها را رعایت کنند و وقتی پینوشه‌های جهان در کشورهای خود احساس مسرویت نمی‌کنند، بقیه‌ی دنیا مسوول گرفتن شکنجه‌گران و قاتلان است تا پاسخگوی جنایات خود باشند.

چهل سال پیش، زمانی که جنبش حقوق بشر نوپا بود، این یک پیام جهانی بود و تا امروز نیز همان‌گونه باقی مانده است. بنابراین ما با جهانی شدن مخالف نیستیم بلکه نمی‌توانیم جهانی‌سازی را که بیش از یک میلیارد انسان را محکوم به زندگی مغایر باشان انسانی می‌کند، بپذیریم.

چرا بیش‌تر نگران گسترش فرصت‌های سرمایه‌گذاری هستیم و کم‌تر نگران رعایت حقوق بشر؟ چرا تمام توجه ما محدود به قوانین ستیزهای تجاری می‌شود و کم‌تر درگیر پاسخ‌گویی دولت‌ها در مورد وظیفه‌هایشان در ارتباط با حقوق بشر هستیم؟ چرا خواستار از بین رفتن موانع تجاری هستیم در حالی که برای آنان که در اثر جهانی‌سازی اقتصادی و جنگ، بی‌خانمان شده‌اند، مانع ایجاد می‌کنیم؟ آری، جهانی کنید، اما عدالت و برابری را، رعایت حقوق بشر را و مبارزه‌ی ما برای پایان دادن به مصونیت را. این برنامه‌ی جهانی شدن ماست.

ساختن جهانی دیگر، اهدای حقوق بشر به مردم آسیای و مناطقی دیگر  
چارچوب حقوق بشر چگونه می‌تواند به مبارزه‌ی ما برای ساختن دنیایی دیگر کمک کند؟  
به‌نظر من قوانین حقوق بشر به‌سه شکل می‌تواند به این امر کمک کند.

اول این که، ساختار حقوق بشر یک گستره‌ی اخلاقی را به‌وجود می‌آورد که به‌ما یادآور می‌شود علت اهمیت بی‌عدالتی‌های جهانی چیست و چرا ما باید برای مقابله با این بی‌عدالتی‌ها بسیج شویم. دوم این که، قوانین حقوق بشر استانداردهای جامعی را براساس ارزش‌های مشترک و اساسی برای دنیای جدیدی که قصد داریم بسازیم، ارائه می‌دهد و سرم آن که، ساختار حقوق بشر اهداف فعالیت‌های ما را به‌گونه‌ای مشخص می‌کند که به‌متمرکز کردن و تأثیر

بیش‌تر آن‌ها کمک کند.

اجازه بدهید کمی در مورد هر یک از این نظریات صحبت کنم. امیدوارم من و دیگر اعضای سازمان در چند روز آینده این فرصت را داشته باشیم که این‌جا، در پورتو آلگره<sup>۱</sup> در مورد این نظریات با شما بحث و گفتگو کنیم. ما به این منظور این‌جا هستیم که از دیگر جنبش‌ها بیاموزیم که چگونه می‌توانیم تاثیر فعالیت خود را بیش‌تر کنیم.

### انسانیت مشترک ما

نقطه‌ی شروع قانون بین‌المللی حقوق بشر، برای تمامی پیمان‌ها و استانداردهایی که در نیمه‌ی پایانی سده‌ی اخیر توسط ایالات متحده و سازمان‌های منطقه‌ای مورد تصویب قرار گرفته، این است که همه‌ی انسان‌ها از حقوق اساسی مشترکی برخوردارند. ما از این حقوق برخورداریم نه به این دلیل که ساکن ایالت به‌خصوصی هستیم، اعضای یک حزب سیاسی هستیم و یا طرفدار یک عقیده‌ی خاص. ما حق داریم چون انسان هستیم، مهم نیست که کجا زندگی می‌کنیم یا که هستیم.

اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر از شمال و جنوب، شرق و غرب، یا کشورهای اهداکننده و «بازارهای در حال ظهور» صحبت نمی‌کند. زبان آن، این موانع را از بین می‌برد و از جایگاه انسانیت مشترک ما آغاز می‌شود، همان‌گونه که در مقدمه‌ی آن آمده است:

«به رسمیت شناختن حقوق مساوی و سلب نشدن برای همه‌ی اعضای خانواده‌ی بشری، اساس آزادی، عدالت و صلح در جهان است»

ماده‌ی اول اعلامیه‌ی جهانی می‌گوید:  
«همه‌ی افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از نظر حقوق با هم برابرند. همگی دارای عقل و وجدان هستند و باید با روحیه‌ی برادرانه با یکدیگر رفتار کنند.»

چرا این انسانیت مشترک این قدر اهمیت دارد؟ اول، به این دلیل که به ما می‌گوید برآورد هر پیشرفت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی یا سیاسی باید در مقایسه با بهبود زندگی فردی بشر انجام شود و دوم به این دلیل که به ما یادآوری می‌کند زندگی همه‌ی انسان‌ها به‌طور یکسان به این برآورد وابسته است.

ما مورد تجاوز بی‌عدالتی‌های جهانی قرار می‌گیریم و دوباره تکرار می‌کنیم «تمام انسان‌ها آزاد به دنیا می‌آیند و از حیثیت و حقوق مساوی برخوردارند.» هیچ‌کس، و بی‌شک هیچ دولتی

در دنیا نمی‌تواند احساس فرور کند در حالی که بیش از یک میلیارد نفر از هموعان ما در فقر شدید زندگی می‌کنند. ساختار حقوق بشر ما را وادار می‌کند که وقتی خود را با دیگران مقایسه می‌کنیم از همشهریان، هم‌مذهبان، هم‌صنفان و هم‌رده‌های خود فراتر رویم.

سازمان عفو بین‌الملل بر این باور است که این نقطه‌ی شروع، اساس ساخت دنیایی دیگر است و دستاوردهای بسیاری به دنبال دارد.

به‌عنوان مثال:

ساکنان یک کشور، به‌هر میزان که قدرت داشته باشند، نمی‌توانند امنیت خود را بخرند اگر بهای آن عدم امنیت برای افراد دیگر باشد.

آزادی برای یک اقلیت نابجا خواهد بود اگر سبب سرکوب گروه‌های دیگر شود. عبارت «جنگ علیه تروریسم» که توسط دولت‌ها به‌کار می‌رود به دنبال این است که گروه‌های مشخصی را از عضویت در «خانواده‌ی بشری» محروم کند. تروریست‌های احتمالی یا «جنگ‌جویان دشمن» از داشتن هرگونه حقی برای برخورداری از حقوق انسانی محروم شده‌اند. در «جنگ علیه تروریسم» ممکن است مناطق آزادی وجود داشته باشند که مجبور به رعایت حقوق بشر نباشند. زبان غیرانسانی مشابهی نیز در توجیه رفتار ظالمانه با زندانیان به‌عنوان بخشی از «مبارزه با جنایت» به‌کار می‌رود؛ دیو جلوه دادن پناهندگان در راستای مبارزه با مهاجرت و آزار و اذیت اقلیت‌های جنسی به‌نام فرهنگ و مذهب. هدف از این «جنگ‌ها» یا مبارزه‌ها، منحرف کردن توجه ما از این قوانین ساده اما اساسی اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر است. این اصول همان‌طور که به سال ۱۹۴۸ مربوط بودند، به سال ۲۰۰۳ نیز مربوط می‌شوند.

اعلامیه‌ی جهانی را بخوانید و ببینید که اگر تمام انسان‌ها به‌واقع از همه‌ی این حقوق برخوردار بودند، چه می‌شد.

شورای عالی حقوق بشر و مقامات فرهنگی

شورای عالی حقوق بشر و مقامات فرهنگی

یک بینش جامع، زندگی همراه با آزادی و احترام، احترام انسانی، چهارچوب حقوق بشر، بینش جامعی از چگونگی یک زندگی همراه با آزادی و احترام ارائه می‌دهد. حفاظت از زندگی، آزادی و امنیت، حق آزادی بیان، آزادی فعالیت‌های سیاسی، حمایت از زندگی خصوصی، حقوق خانواده، حق برخورداری از تحصیل، سلامت و امنیت اجتماعی براساس قوانین اما به‌طور مساوی و حق داشتن کار و بهره‌مندی از یک استاندارد قابل قبول برای زندگی به‌عنوان مثال مسکن، آب پاک و غذا.

ساختار حقوق بشر پافشاری زیادی روی عدم تبعیض دارد. یعنی این حقوق را، برای همه

به‌طور مساوی تضمین می‌کند، بدون توجه به نژاد، اعتقاد، رنگ، جنسیت، طبقه‌ی اجتماعی یا گروه. هم‌چنین حمایت‌های خاصی را برای گروه‌های آسیب‌پذیر جوامع در نظر می‌گیرد. قانون حقوق بشر بین‌المللی، چیزی فراتر از حقوق مدنی و سیاسی است، فراتر از حمایت شهروندان در برابر دخالت دولت در آزادی‌های اساسی‌شان. ساختار حقوق بشر پافشاری یکسانی بر نظریه‌ی حفظ شخصیت انسانی و آنچه لازم است دولت‌ها برای اطمینان از رعایت این شخصیت انجام دهند، دارد.

تا مدت‌ها توجه کم‌تری به حقوق اقتصادی و اجتماعی شده بود و از این نظر سازمان عفو بین‌الملل تا حدودی مقصر است. این سازمان به‌تازگی خود را متعهد به فعالیت در زمینه‌ی تمام حقوق انسانی دانسته است. به مدت ۴۰ سال، ما خواستار آزادی زندانیان سیاسی و مبارزه برای پایان دادن به سر به‌نیست کردن‌ها، کشتار خودسرانه و شکنجه بودیم. هدف ما توجیه چنین جنایت‌ها و تضمین از بین بردن مصونیت از طریق جلوگیری از وقوع آن‌ها بوده است. اکنون لازم است دنیا را متقاعد کنیم که فقر شدید خود نوعی زندان به‌وجود می‌آورد، خودکامگی در عمل به‌قوانین، بر زندگی و معاش مردم تاثیر می‌گذارد، ناامنی از آن‌جا ناشی می‌شود که صبح‌ها گریه بیدار می‌شوید، نداشتن خاقه یا کار می‌تواند به‌اندازه‌ی نیروی سرکوبگر پلیس وحشتناک باشد.

به‌هر حال فعالیت در زمینه‌ی حقوق اقتصادی و اجتماعی در حال شروع است و بعد از مدت‌ها تردید، سازمان عفو بین‌الملل اکنون متعهد می‌شود که به‌دیگران بپیوندد و برای دستیابی به این حقوق فعالیت کند با این که این کار راحت نیست. مانع دیگری که در تکمیل حمایت از حقوق بشر وجود دارد، تفاوت مصنوعی میان گستره‌ی همگانی فعالیت‌های سیاسی و گستره‌ی خصوصی خانواده در نظریه‌ی حقوق بین‌الملل است. در عمل، این به‌آن معنی است که شکنجه‌ای که میلیون‌ها زن به‌شکل خشونت‌های خانوادگی تجربه می‌کنند، از نگاه عمیق جنبش حقوق بشر، که اندیشه‌ی خود را منحصر به‌شکل‌های سنتی شکنجه‌های دولتی کرده، پنهان مانده است. مدافعان حقوق زنان در سراسر دنیا به‌این کم‌توجهی اشاره کرده، کمک کرده‌اند تا مفهوم حقیقی حقوق بشر متحول شود و حساسیت پیش‌تری روی تجربه‌های واقعی زنان دنیا نشان داده شود. با وجود این که سازمان عفو بین‌الملل برای پیوستن به این مبارزه بسیار کند عمل کرده است، اما در حال تدارک یک مبارزه‌ی بزرگ بین‌المللی علیه خشونت نسبت به‌زنان در سال آینده هستیم و امیدواریم بتوانیم زمان از دست رفته را جبران کنیم. این پیش‌جامع به‌حقوق بشر، آشکارا در برابر رتبه‌بندی‌ها و برتری‌ها مقاومت می‌کند.

انسان‌ها عادت کرده‌اند از نسل «اول»، «دوم» و «سوم» حقوق بشر صحبت کنند. در زمان جنگ سرد، غرب این بحث را مطرح کرد که حقوق سیاسی بیش‌تر از حقوق اجتماعی اهمیت دارد و بسیاری از سوسیالیست‌ها و ملت‌های توسعه‌یافته دیدگاه مخالف را انتخاب کردند.

در حال حاضر چنین بحثی کهنه و بی‌معنی است. مجموعه‌ی حقوق بشر به هم وابسته‌اند. اگر انسان‌ها از تحصیل محروم باشند، حق آزادی بیان دیگر مفهومی ندارد. و اگر برنامه‌های آموزشی در راستای ترویج تعصب و نگاه داشتن یک رژیم سرکوبگر در قدرت باشند، رسیدگی به مدارس به‌سختی انجام خواهد شد. وابستگی حقوق انسانی به یکدیگر به‌ما یادآور می‌شود در حالی که یک دنیای بهتر می‌سازیم، با نابرابری‌ها، بی‌عدالتی و سرکوب به‌چالش می‌پردازیم، باید به‌خاطر داشته باشیم که عدالت اجتماعی و اقتصادی نمی‌تواند به‌قیمت آزادی‌های سیاسی و مدنی به‌دست آید. در اغلب موارد، حقوق بشر قربانی توسعه‌ی اقتصادی شده است. به‌طور مشابه، انتخابات آزاد، رسانه‌ها و سیستم قضایی فعال، هیچ یک به‌تنهایی نمی‌تواند بشر را از فقر نجات دهد. این واقعیت که صدها هزار بی‌خانمان در ثروتمندترین کشورها زندگی می‌کنند و برای وعده‌ی بعدی غذایشان نیاز به‌صدقه دارند، دلیل بر شکست بینش محدود کردن آزادی به‌حقوق سیاسی و مدنی است.

وابستگی و تفکیک‌ناپذیری حقوق بشر از یکدیگر به‌ما یادآور می‌شود که وقتی هدف ما ساختن دنیایی بهتر است؛ این که چه برنامه‌ی سیاسی را انتخاب می‌کنیم کم‌اهمیت‌تر از بودن یا نبودن این برنامه در جهت رعایت حقوق بشر، یعنی زندگی با احترام و آزادی، است.

#### ضوابطی برای آنان که در راس حکومتند

ساختار حقوق بشر روی ضوابط پافشاری می‌کند. «حق داشتن» مستلزم «موظف بودن» است، از بقیه بخواهید که این حقوق را رعایت کنند. حقوق بشر وظایفی را به‌متصدیان امور و آنان که قدرت دارند، تحمیل می‌کند. اگر می‌خواهیم جهان بهتری بسازیم، باید آگاه باشیم که سازمان‌های مختلف دولتی چه وظایفی دارند. حقوق بشر تنها حرف نیست. در ۵۰ سال اخیر، گروه‌های بین‌المللی از بخش‌های گوناگون آنچه دولت‌ها باید انجام دهند (با از انجام دادن آن خودداری کنند) تا براساس قانون‌های حقوق بشر عمل کنند، آگاه شده‌اند.

به‌عنوان نمونه، بیش از ۱۴۵ دولت متعهد شده‌اند که حق مربوط به‌تأمین دسترسی افراد به‌درمان را رعایت کنند. در یک جهان عادلانه، چنین تعهداتی باید مورد حمایت همگانی قرار گیرد. نمونه‌های دیگری نیز وجود دارد. قانون حقوق بشر همیشه جواب‌های صریحی ندارد اما اصول به‌دقت پایهریزی شده‌ای در مورد حقوق فردی و پاسخگو بودن آنها ارایه می‌دهد.

برای این که بحث، ارتباط بیش‌تری به مجمع اجتماعی جهانی پیدا کند، باید بگویم که حقوق بشر به جز دولت‌ها، می‌تواند در مورد فعالان دیگر هم به کار رود. این فعالان، یعنی سازمان‌های مالی بین‌المللی و شرکت‌های فراملی، نیز وظایف مشخصی در ارتباط با رعایت حقوق بشر دارند. این وظایف قانونی فراتر از مرزهای ملی است.

این مطلب در مورد حقوق مدنی و سیاسی نیز پذیرفته شده است. قانون‌ها در بسیاری از کشورها تایید می‌کند که وقتی در دیگر کشورها شکنجه یا سرکوبی اتفاق می‌افتد، مسولان باید وارد عمل شوند، به طور مثال از حمل اسلحه به آن کشور جلوگیری کنند یا اگر متهمان به شکنجه، از آن‌جا خارج شوند، آن‌ها را دستگیر کنند. ما اکنون نیازمند آنیم که حقوق ESC را جهانی کنیم، به عنوان مثال باید مطمئن شویم که قوانین ثبت‌شده‌ی یک کشور، به گونه‌ای اجرا نمی‌شود که افراد دیگر کشورها را از دسترسی به داروهای نجات‌بخش محروم کند.

انجمن‌ها نیز می‌توانند به ساختار بین‌المللی بشر بپیوندند. من، به عنوان مشاور حقوق بشر در ایالات متحد پارها درگیر مواردی بوده‌ام که از قانون بین‌المللی حقوق بشر در جهت مجبور کردن انجمن‌های چندملیتی به پاسخ‌گویی در مورد مشارکت‌شان در زیر پا گذاشتن حقوق بشر در خارج از ایالات متحد استفاده کرده‌ایم. به عنوان نمونه در کالیفرنیا، ما خواستار این هستیم که UNOCAL، یک شرکت بزرگ نفتی در آمریکا، معامله‌ی مشترک خود با رژیم سرکوب‌گر نظامی در برمه را توجیه کند چرا که خطوط انتقال گاز طبیعی توسط روستاییان آن منطقه و بر دوش نیروی کار اجباری ساخته شده است. از قانون حقوق بشر در مورد روستاییان آواره و فقیر برمه که نمی‌توانند در کشور خودشان از عدالت برخوردار شوند، سوءاستفاده شده است به این عنوان که آن‌ها از عدالتی که بر اساس وظایف بین‌المللی به UNOCAL تعلق دارد بهره‌مند شوند؟ در حالی که UNOCAL تحت عنوان قوانین محلی از انجام وظایفش خودداری کرده است. مدت‌هاست انجمن‌های مختلف جهانی از ضعف قوانین ملی سوءاستفاده کرده‌اند و با مصونیت کامل، در زیر پا گذاشتن حقوق بشر شریک بوده‌اند. قانون بین‌المللی حقوق بشر، بخشی از راه حل ایجاد مسوولیت‌پذیری و به وجود آوردن ساختار منظم جهانی برای سازگار کردن جهانی شدن با آزادی و شخصیت انسانی است. راهی طولانی در پیش داریم اما قانون بین‌المللی حقوق بشر به تغییر مناسبات گفتمان کمک کرده است.

#### ارزش حقوق بشر

برخی از منتقدان حقوق بشر اعتقاد داشتند که این چارچوب خیلی نامشخص است و بدون در نظر گرفتن ساختار قدرت و واقعیت‌های تفاوت‌مادی، تنها خیال باطلی از آزادی و برابری را

در سر دارد، در کنار این، انتقاد دیگری نیز مطرح بود و آن این که ساختار حقوق بشر بسیار تابع قانون است.

اما قانون بین‌المللی حقوق بشر به هیچ وجه نامشخص نیست. البته هیچ اندیشه‌ی سیاسی یا سیستم دولتی خاصی را تایید نمی‌کند، بلکه از ارزش‌های اساسی مانند مدارا، برابری، عدم تبعیض، آزادی و وحدت انسان‌ها حمایت می‌کند. چنین ارزش‌هایی پیام اصلی این مجمع اجتماعی جهانی است. این واقعیت که این ارزش‌ها تنها به‌میتم قانون بین‌المللی محدود می‌شوند، در اساس، نقطه‌ی قوت آن است نه ضعف آن. اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر تنها یک سند قانونی نیست بلکه نمایانگر خواسته‌ی بشر در سراسر جهان برای داشتن دنیایی معقول‌تر است.

بیاید از زبان حقوق بشر استفاده کنیم و از همه‌ی مرزها و موانع بگذریم و قانون بین‌المللی حقوق بشر را برای تفویت احساس مسوولیت به‌کار ببریم.

#### نتیجه

مجمع اجتماعی جهانی به‌همگان یادآوری می‌کند که صدها میلیون نفر از هموعان ما در فقر و ناامنی به‌سر می‌برند. ما به‌عنوان فعالان حقوق بشر، رویای ساختن دنیایی متفاوت را با شما تقسیم می‌کنیم.

علاوه بر تمام این‌ها، چیزی که اکنون نیاز داریم این است که دوباره به‌اصول اساسی که بیش از ۵۰ سال پیش، در اثر وحشت از جنگ جهانی، صادقانه مورد پذیرش دولت‌ها قرار گرفت، متعهد شویم.

ماده‌ی ۲۸ اعلامیه‌ی جهانی می‌گوید:

«هر شخصی حق دارد خواستار برقراری نظم در عرصه‌ی اجتماعی و بین‌المللی باشد که حقوق و آزادی‌های ذکر شده در این اعلامیه را به‌تمامی تامین و عملی سازد.»<sup>۱</sup>

چنین دنیایی به‌گرفته‌ای سازمان می‌یابد که به‌سیستم‌ها، فرآیندهای اقتصادی یا میزان بودجه‌ی دفاعی کشور و به‌سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بها ندهد بلکه به‌زندگی همراه با آزادی و حیثیت انسانی، برای تمامی افراد بشر اهمیت دهد.

آیا ما قبل از اهمیت دادن رهبرانمان به‌این اصول، به‌جنگ جهانی دیگری نیاز داریم؟ ما دست به‌دست شما می‌دهیم و می‌گوییم نه.

۱. در ترجمه‌ی متن مواد اعلامیه‌ی جهانی از کتاب پیرسش و پانخ درباره‌ی حقوق بشر - لیالوین - محمدجعفر پوینده - نشر قطره - سال ۱۳۷۷ استفاده شده است. (مترجم)